

گزارش فعالیت های روز جهانی زن - بروکسل

5 مارس تظاهرات انترناسیونالیستی در حمایت از مبارزات مردم خاورمیانه از ایران تا لیبی



روز شنبه 5 مارس از ما زنان 8 مارس هم در تظاهراتی که در مقابل دو سفارت ایران و لیبی سازماندهی شده بود شرکت داشتیم. که گزارش کامل این حرکت را می توانید در وبلاگ "کمیته جوانان بلژیک" ببینید. اما تلاش ما در سازماندهی این آکسیون این بود که در این مبارزه هم از شعارها و خواسته های زنان صحبت و دفاع کنیم و با اشاره به اینکه معیار پیشرو بودن یک حرکت امروزه این است که مطالبات زنان در آن منعکس می شود یا نه، بر اهمیت این مبارزه بین المللی تأکید کنیم. در حالی که تمام تلاش مان را نیز به کار بردیم تا زنان و دختران جوان ایرانی، دختران نسل دوی ایرانی در بلژیک و دختران جوان عرب را نیز درگیر این مبارزه مشترک و دیدگاه مان بر سر مسأله زنان کنیم که از این زاویه هم تا حدودی موفق شدیم و تعدادی از دختران دانشجوی عرب هم در این آکسیون شرکت داشتند و به طور فعال در سازماندهی آن و خبررسانی فیس بوکی و ... سهمیم بودند.

گزارش آکسیون 5 مارس و گزارش تصویری آن را در این لینک ببینید:

www.committeebe.blogspot.com

مصاحبه فریبا امیرخیزی با رادیو دموکراسی شورایی را به مناسبت روز جهانی زن در این لینک ببینید:

http://www.radioshora.org/interview/sound/amirkhizi_6march2011.rm

آکسیون روز جهانی زن 8 مارس بروکسل



در روز سه شنبه 8 مارس هم برنامه های مختلفی در بروکسل برگزار شد که غالباً در شکل میتینگ و جشن های سالنی بود و کمتر شکل اعتراضی داشت برخلاف سال گذشته که با همکاری سندیکاها تظاهرات بزرگ و مرکزی شکل گرفته بود. اما امسال فقط یک آکسیون در یکی از میدین بروکسل برگزار شد که به مناسبت صدمین سالگرد 8 مارس برنامه ای تحت عنوان "به صحنه بیا برای صلح و همبستگی!" برگزار شد. هدف این برنامه ساختن پلی برای زنان در همبستگی با زنان افغانستان، کنگو و دیگر مناطق جنگی بود و شعار مرکزی آن "در ساختن پل همراه شو!" بود. آن ها با افشاگری از قربانی شدن زنان در جنگ و فقر و خشونت های جنسی اعلام کردند که با اشغال این پل ما در یک همبستگی بین المللی زنان برای زنان به خشونت و جنگ "نه!" می گوئیم. سازمان دهندگان برنامه بیشتر زنان فعال احزاب و سازمان های زنان و زنان فعال سندیکایی بودند. البته حضور زنان مهاجر هم چشم گیر بود، زنانی از آفریقا و خصوصاً کنگو در این تظاهرات حضور داشتند و شعارهایی با مضامین آزادی زنان، اعتراض به ناقص سازی جنسیتی، خشونت جنگی و خشونت خانگی و ... در آکسیون دیده می شد و زنان آفریقایی با خواندن شعرهای محلی به هیجان و نشاط جمع می افزودند. زنانی از ملیت های مختلف که با لبخند به خواسته های یکدیگر توجه می کردند و با اشتیاق به صحبت های یکدیگر توجه می کردند.

ما هم بیانیه های 8 مارس و دعوتنامه هایی برای نشست همان شب را در بین آنان پخش می کردیم و ترجمه ی بیانیه ای از "زنانی دیگر" از ایران که برخلاف انتظارمان همه با اشتیاق بیانیه ها را می گرفتند چون در حال گوش دادن به سخنرانی ها بودند، ولی تا می گفتیم بیانیه ای از یک سازمان زنان ایرانی است با اشتیاق بیانیه را می گرفتند و معمولاً سریعاً می خواندند چند نفری هم شروع به بحث بر سر نکات آن کردند. برخلاف تم برنامه اما برگزار کنندگان به شدت از سیاسی شدن مباحث دوری می جستند و جای تعجب داشت که در لیست مناطق جنگی آن ها حرفی از عراق نبود؟! و سخنرانی ها را به مشاهدات شخصی دو سخنران از ایران و کنگو تقلیل دادند. سخنران ایرانی که متأسفانه برای ما هم ناآشنا بود از تجربه ی سی سال زندگی زنان در دیکتاتوری صحبت کرد و زن کنگویی از نحوه ی تجاوز شورشیان به او و بعد طرد شدنش از اجتماع و ... در این میان شعارهای محدود جمعیت محدود ما برای عده ای جای بحث را باز کرد شعار "جدایی دین از دولت اولین گام رهایی زنان خاورمیانه است!" مورد توجه قرار می گرفت و توجه شبکه ی تلویزیونی و فعالین را جلب می کرد و همچنین این موضوع که زنانی از خود این کشورها مثل ایران مدعی آن باشند برایشان جالب بود. یک دختر جوان مراکشی که گویا آشنای دیرین خود را باز یافته با هیجان سوال می کرد و با خوشحالی ادامه بحث را به شب موکول کرد و گفت با وجود همه ی برنامه های قبلی امشب در نشست ما حاضر خواهد شد و ... گزارش تلویزیونی مرکز لایسیته از این آکسیون:

<http://www.youtube.com/user/canalcal>

نشست 8 مارس - "زنان قهرمان در روند انقلاب در خاورمیانه و شمال آفریقا و چشم انداز آینده":



به مناسبت روز جهانی زن و همزمانی این روز با مبارزات مردم شمال آفریقا و خاورمیانه بر علیه رژیم های دیکتاتوری، سازمان زنان 8 مارس (ایران - افغانستان) برنامه ای در همکاری و هماهنگی انجمن گارسیا لورکا، کمیته دفاع از مبارزات مردم ایران بلژیک، حزب سوسیالیست متحد مراکش، فدراسیون متحد Izquierda شاخه بلژیک و نیروهای مترقی دیگر بروکسل برگزار کرد. موضوع این برنامه "زنان قهرمان در روند انقلاب در خاورمیانه و شمال آفریقا و چشم انداز آینده" بود. این موضوع افراد زیادی از فعالین جنبش زنان، دانشجویان، فعالین احزاب و سازمان های چپ و مترقی، نیروهای قدیمی فعال در عرصه سیاسی بلژیک و به خصوص زنان و دختران جوان را به سالن کشانده بود.

از ساعت 19 شرکت کنندگان وارد خانه فرهنگی گارسیا لورکا شدند و در قسمت بار آن ضمن پذیرایی، با یکدیگر آشنا شدند. ساعت حدود 20 برنامه شروع شد و مجری برنامه درباره ی موضوع برنامه و روز جهانی زن و شرایط منطقه توضیح کوتاهی داد. سپس با معرفی سخنرانان، برنامه رسماً آغاز شد. در شروع برنامه قطعه کوتاهی از مصاحبه "نوال السعداوی" فمینیست و جامعه شناس معروف مصری با "امی گودمن" از تلویزیون Democracy now در آمریکا پخش شد* که هم به خاطر مبارزات جاری در مصر بسیار جالب بود و هم حاوی نکات چالش برانگیز در حیطه ی مبارزات زنان و جنبش عمومی مردم بود و انتخاب این مصاحبه از طرف ما تأکیدی روی همین تحلیل ها بود تا بتوانیم از دل آن به مقایسه دو تجربه در ایران و مصر برسیم و به شنوندگان فرصت به چالش کشیدن موضوعات کلیدی را بدهیم.

* <http://www.youtube.com/watch?v=bWd-pgiU4Co>

به دنبال این ویدیو سخنران اول بحث خود را آغاز کرد. "آنیسا" از حزب سوسیالیست چپ بلژیک که برای زنان رادیکال ایرانی در اروپا آشناست، سخنرانی خود را با تاریخچه ی کوتاهی از روز جهانی 8 مارس، مبارزات زنان برای حقوق خود در بلژیک، نقش زنان در پروسه انقلاب سوسیالیستی 1917 شوروی و اهمیت مبارزات زنان در پروسه انقلاب ایراد کرد. او سعی داشت با تأکید بر نقش زنان چپ در این مبارزه صدساله بخشی از این تاریخچه را که امروزه تماماً در حاشیه قرار گرفته است را روشن کند و در پایان از تأثیر متقابل مبارزات بین المللی زنان سخن گفت و آن چه به صورت واقعی در خاورمیانه و شمال آفریقا جریان دارد.

سخنران دوم "سارا" از زنان گرد فعال در حزب دموکرات کردستان ایران بود. سارا ضمن تشریح رابطه بین ستم ملی بر زنان، به نقش سنت و مذهب در بین زنان کردستان اشاره کرد. وی ضمن فعالیت های مبارزاتی زنان کرد در قالب احزاب و سازمان های کردی و اشاره به اهمیت این مبارزات، به اهمیت مبارزه زنان برای مسأله خاص زنان تأکید می کرد. در این حال او تلاش داشت ما متوجه این موضوع کند که جنبش زنان در کردستان ایران هرگز نتوانسته است یک جنبش مستقل حول مسأله زنان باشد و این باعث شده تا با همه فداکاری ها و نقش زنان در جنبش های منطقه جنبش زنان به پیشروی کافی دست پیدا نکند و دیگر اینکه یک زن کرد علاوه بر مبارزه خود برای رهایی ملت کرد از ستم ملی باید برای حقوق ویژه خود نیز مبارزه کند. متن این سخنرانی را می توانید در ادامه این گزارش بخوانید.

سخنران سوم "مونا" جامعه شناس و دانشجوی مراکشی ساکن بلژیک و از همکاران "انجمن رازی" بود. مونا تاریخچه ای از تحولات اجتماعی و بالطبع تحول اوضاع زنان در مراکش از دهه 60 تا امروز ارائه داد و در این بررسی تاریخی از فاکت ها و آمارهای مختلف استفاده کرده بود و تغییر وضعیت زنان را در پرتو این آمار بررسی می کرد. او با توجه به دیدگاه اصلاح طلبانه اش از دریچه ی نگاه خود در نحوه ی بررسی و جمع بندی خود رفرم های حاکم فعلی مراکش را راهی برای ادامه ارتقای زنان دانست و مبارزه ی انقلابی را راهی مناسب برای کسب مطالبات زنان نمی دانست که البته با واکنش های زیادی از سوی شرکت کنندگان مراکشی و غیرمراکشی روبرو شد و تا حد زیادی باعث پلاریزه شدن شرکت کنندگان مراکشی در این نشست شد به طوری که در بخش پرسش و پاسخ چالشی بر سر "انقلاب یا اصلاح؟!!" به وجود آمد و هر طرف سعی داشت با اتکا به استدلال خود راه حل صحیح را اثبات نماید. در لا به لای همین بحث ها بود که مسأله ملی در مراکش هم طرح شد.

سخنران بعدی "فریبا" از سازمان زنان 8 مارس (ایران - افغانستان) بود که سخنرانی خود را بر مبنای "جدایی دین از دولت، به عنوان اولین گام زنان خاورمیانه در رسیدن به رهایی" تنظیم کرده بود. وی از حاضرین خواست تا با برخاستن و 1 دقیقه تشویق یاد صد سال مبارزه زنان برای تثبیت 8 مارس و تلاش برای رهایی را گرامی بدارند. او ضمن برشمردن خدمات فمینیست های رادیکال و لزوم اهمیت و توجه کمونیست های انقلابی به دستاوردهای فمینیست های انقلابی، به تمایز خط انقلابی و خطر رفرمیستی در رهایی زنان در ایران تأکید کرد.

او در این بخش با یادآوری و استناد به تظاهرات زنان ایرانی در 8 مارس 1979 در اعتراض به فرمان حجاب اجبازی خمینی بخش هایی از فیلم "سال صفر" پخش را کرد و با استناد به صحبت های زنان در سال 57 و چگونگی قدرت گیری حکومت اسلامی و جایگاه سرکوب زنان، به مقایسه با استدلالات نوال سعداوی و دیگر فعالین زن در کشوری های عربی پرداخت. او تأکید داشت که در کشورهای عربی خصوصاً مصر و تونس نظام واقعا عوض نشده است بلکه ضربه خورده و تغییر سمبل ها و شخصیت ها دال بر تغییر نظام نیست و نظام ضربه خورده امکان تجدید و حتی بازگشت به عقب را دارد مانند تجربه ی ایران. برای تغییر در نظام باید فاکتورهای دیگری مانند تغییر روابط اقتصادی، سیاسی، نظامی و حتی ایدئولوژیک را داشته باشیم. برای تغییر هم ما نمی توانیم به تغییر افراد یا سمبل ها متوسل شویم بلکه باید شریان های خون رسانی به آن رژیم قطع شود و در رژیم

ایران مسأله سرکوب زنان یکی از شریان هاست و تا وقتی چنین شریانی قطع نشود جمهوری اسلامی قادر به بازتولید است.

از نظر او در مقایسه ایران با مصر و مسأله امکان قدرت گیری بنیاد گرایان هم سه رویکرد متصور است. ترس از این احتمال و عقب نشینی آنچه حاصل تبلیغات رسانه های عربی است، ندیده گرفتن این احتمال با استدلال اینکه بنیادگرایان در این کشورها در اقلیت هستند و با سیستم پارلمانی این احتمال از بین خواهد رفت و یا استدلالات مشابه نوال که راه "دمکراتیک" را برای سهیم شدن در پارلمان باز می گذارد چون از نظر او به واقع بنیادگرایان اصلی (مبارک) از گردونه قدرت خارج شده اند و راه آخر دست زدن به تغییر در عین برخورد با نیروهای بنیادگرا. فریبا تأکید داشت که حمومت ایران یک حکومت مذهبی و اسلام در ایران مدل 1400 سال قبل نیست و این حکومت یک حکومت تیوکراتیک مدرن است که روابط اقتصادی سیاسی ادرن را با روبنای قرون وسطایی در هم امیخته که نماد آن زنان هستند و حجاب سمبل آن است. حجاب را هم باید در ایران از دو زاویه دید یک اجباری بودن آن در تقابل با آزادی پوشش و دو مفهوم ایدئولوژیک آن که رابطه تنگاتنگ با مالکیت خصوصی و مالکیت بر بدن زن دارد و زن را در حد یک شرمگاه تقلیل می دهد. اما معمولاً همه خصوصاً در غرب با تأکید روی بخش اول یعنی آزادی پوشش بخش دوم را لاپوشانی می کنند و این یکی از شاهرگ های جمهوری اسلامی است و زنان با حجاب را در تمام دنیا تبدیل به ارتش خود کرده و حجاب نیز نقش یونیفرم ایدئولوژیک این ارتش را دارد. هر چند در ایران زنان و جامعه به لحاظ اخلاقی به آن گردن نمی گذارند اما در حیطه قانون و ایدئولوژی در ایران پذیرفته شده است. او به دلایل عقب گرد جنبش در ایران پس از یک سال خیزش پرداخت و نقش پر رنگ رهبری سبز در جلوگیری از رادیکال شدن مبارزات و طرح مطالبات زنان و توهم جوانان به این رهبری که قدم به قدم در حال کمرنگ شدن است مانند توهم جوانان مصری به خنثی بودن ارتش.

در پایان او راه برون رفت و پیش روی جنبش زنان در منطقه و بالاخص ایران را حضور زنان در جنبش با طرح مطالبات خاص خودشان و تدکید و پافشاری بر آن دانست و دو مطالبه جدایی دین از دولت و مبارزه با حجاب اجباری را مضماتی ترین آن ها دانست.

فیلم "سال صفر" را می توانید در این لینک ببینید:

<http://www.youtube.com/watch?v=8Fp-5LnsAA>

سخنران آخر که بسیار کوتاه صحبت کرد، "نبیلا" از پاکستان و او هم از همکاران "انجمن رازی" بود. تکیه وی بر فرودستی حاد زنان در پاکستان بود و این که اصلاً به قدری اوضاع زنان در این کشور حاد است که نمی توان بر روی یک موضوع تمرکز کرد. وی از زنانی گفت که از نژاد ها و اقوام مختلف هستند و ستم بر آن ها بقدری حاد و گسترده است و با اینکه آنان از نظر تعداد آمار بالایی دارد اما انگار تصمیم گرفته شده که آمار آن ها در هیچ جا به حساب آورده نشود. وی رفرم های بورژوایی دوره بی نظیر بوتو در مورد زنان را بسیار ارتجاعی و در خدمت منافع طبقاتی زنان مرفه و بردگی بیبیشتر زنان فقیر دانست. تکیه او بر ستمی بود که بر زنان ملل تحت ستم ملی در پاکستان روا داشته می شود و هم حکومت مرکزی و هم جنگاوران مسلمان و ... بر این زنان روا می دارند. او به تاریخچه جدایی پاکستان از هند اشاره کرد و اینکه امروزه سیاست در پاکستان تابع رقابت های کشورهای امپریالیستی است و فرودستی مفرط زنان نیز از همین سیاست تبعیت می کند. او ما را به دیدن فیلم "به نام خدا" (Khuda ke Liye – In the name of God) دعوت کرد. نبیلا که بسیار مسلط و با حرارت صحبت می کرد با همین سخنرانی کوتاه سوالات زیادی را در اذهان همه ی شنوندگان ایجاد کرد.

بعد از سخنرانی ها نوبت پرسش و پاسخ رسید و بحث های خوب و گاه حادی به میان آمد. اوضاع خاص منطقه جوی را رقم زد که در پاره ای از موارد سوالات و کامنتارها از مسأله زنان دور می شد. برخی از شرکت کنندگان عرب حاضر در جلسه به تندگی با هم و با سخنران مراکشی به بحث پرداختند. آن ها ضمن انتقاد از بحث های رفرمیستی سخنران، از طرح مسأله ملی (بربرها) توسط یکی از شرکت کنندگان نیز برآشفته شده بودند و صحبت او درباره ی حق ملل و تأکید او بر این که زنان ملل تحت ستم در مراکش علاوه بر مسأله جنسی تحت ستم ملی نیز هستند را بر نمی تافتند. چندین بار جلسه صحنه جدل حاد این دوستان بود. شرکت کننده زنی از لبنان نیز در رد مسأله احتمال قدرت گیری بنیاد گرایان در مصر و خاورمیانه گفت: "من نگرانی به جای زنان ایرانی را درک می کنم ولی همان طور که در فیلم هم دیدیم "سال صفر" دلیل عدم حرکت زنان در ایران بی خبری آنان از هم بود و امروزه به خاطر اینترنت این خطر از بین رفته است و زنان امکان ندارد این عقب گرد را تجربه کنند." یک زن جوان بلژیکی با حرارت می گفت من ابتدا خودم را یک زن انقلابی می دانم و بعد سوسیالیست برای من راه حل مسأله زنان انقلاب است و بدون تأکید بر این موضوع زنان با همه تلاششان را نخواهند شد.

فربیا - سخنران ایرانی - گفت با وجود این که حاد بودن شرایط سیاسی در منطقه خاورمیانه قابل درک است اما اینکه زنان در همین جلسه به مناسبت روز زن هم در بحث ها کمتر شرکت می کنند و عرصه سیاست های کلان را به مردان می سپارند جای تأسف است دقیقاً امروز وقتی است که زنان باید فعالانه و با وسواس مطالبات خودشان و سرنوشت جنبش را دنبال کنند و دلیل نگرانی ما زنان ایرانی برای جنبش ایران و منطقه همین طرح نشدن مطالبات زنان است که می تواند شرایط را عقب گرد را محیا کند و حکومت با مطیع کردن نیمی از جمعیت می تواند تمام جامعه را مطیع کند و مسلماً برای بقا نیاز به ادامه این سرکوب هست و مثال زنده ان ایران است بنابراین اینترنت نمی تواند این نقش مهم را بپوشاند چون دقیقاً دو سال پیش هم اینترنت و شبکه های اینترنتی موجود بود ولی در هیچ جای خاورمیانه چنین خیزشی برنخاست و بیرون آمدن زنان ایرانی در سال 79 در ابعاد میلیونی کار اینترنت نبود نتیجه حساسیت و آگاهی زنان بود. وی ضمن اشاره به سخنرانی سارا از کردستان، بر اهمیت مبارزه مشخص زنان برای حقوق خود و به رسمیت شناختن این مبارزه از سوی خود زنان تأکید کرد، هر چند اگر زنان باید در جبهه های دیگری نیز مبارزه کنند چه در ایران و چه در مراکش و ... زنان برای مسأله ملی و یا در مبارزه طبقاتی نقش مهمی دارند که هیچ کدام نافی مبارزه برای ستم جنسی از همین امروز نیست. در ادامه یکی از حضار زن ایرانی به نحوه اداره جلسه انتقاد کرد و اینکه برخورد به نظرات و تحلیل های مونا را از زاویه اخلاقی می دید و معتقد بود که جمع تحمل برخورد نظرات را نداشته است. زن دیگری نیز از مراکش به مخالفت با بحث شرکت کننده ی اسپانیایی پرداخت که انقلاب نرم را فرموله می کرد یعنی انقلاب غیر خشونت آمیز.

تازه پس از اعلام پایان برنامه بود که خیل علاقمندان به بحث ها و جدل ها فضای دیگری یافتند و کماکان با بحث های زیادی مقابل در خروجی و بار گارسیا لورکا به ادامه دادند. تقریباً همه شرکت کنندگان معتقد بودند نشست برای آن ها حاوی اطلاعات، تحلیل ها و چشم اندازهای جدیدی بوده است و تازه سوالات جدیدی ایجاد کرده است. دختری که ظهر در آکسیون زنان دیدیم این بار پرشورتر اعلام کرد که آرزوی چندین ساله من برآورده شد و من زنانی فمینیست و کمونیست پیدا کرده ام که در هر دو زمینه می دانند چه می خواهند. من منتظر این روز بودم. او که در طی بحث ها ساکت بود تقریباً در مدت کوتاهی به تمام بحث ها وارد شد و ابراز امیدواری برای حرکات آتی. زنان و مردان دیگری که همدیگر را یافته بودند در جای جای سالن مشغول بحث بودند و تا دقایقی مانده به نیمه شب به بحث ادامه دادند تا اجباراً سالن را ترک کردند.

در حاشیه این که میز اطلاع رسانی سازمان زنان 8 مارس، ال اس پی، ال سی ار، و ... در گوشه ای از سالن بر پا بود و نظرات این سازمان ها و احزاب را توسط نشریات و اعلامیه هایشان به حضار معرفی و منتقل می کرد و نمایش تصاویری از مبارزات مردم مصر و تونس و آیبی و ایران با تمرکز بر مبارزات زنان، فضایی زنده و مبارزاتی به سخنرانی ها می داد.

فربیا - سازمان زنان 8 مارس (ایران - افغانستان) - بلژیک

سخنرانی "سارا" در نشست 8 مارس 2011- بروکسل:

جنبش زنان کورد در کردستان

وضعیت زنان کورد در کردستان در 4 کشور ترکیه، سوریه، عراق و ایرن شباهت ها و تفاوت هایی دارد، شرایط کشور ساکن و شرایطی که دولت های حاکم به لحاظ نوع نگاهشان به موضوع ملت کورد دارند، متفاوت است و این تفاوت نگاه، تفاوت وضعیت را موجب می شود. تمرکز من بیشتر روی زنان داخل ایران است.

شباهت ها و تفاوت های زنان کورد با جنبش زنان در ایران:

قانون اساسی و زیر مجموعه آن طبق شریعت اسلام نوشته شده که زن نصف مرد است و در شهات و ارث و دیه نصف حساب می شود و حق نگهداری فرزندان و حق طلاق و مسافرت و تابعیت مستقل و... را ندارد.

رویکرد قانون، قانونگذار و مجری قانون به زنان یک جور است و آن نادیده گرفتن زنان و خواسته های انسانی آنان است. نگاه رژیم نگاهی ضد زن است که به اشکال گوناگون آن را به زنان ثابت کرده است.

حقوق شهروندی، حقوق انسانی و دمکراتیک از جمله مفاهیمی است که با آن کاملاً بیگانه است. هر نقطه سیاهی که در زندگی زنان است، در زندگی زنان کورد هم مثل بقیه وجود دارد، با این تفاوت که ستم ملی هم به آن اضافه می شود، برای نمونه زنان کورد نمی توانند به زبان مادری بیاموزند و یا به خاطر نگاه امنیتی که به این منطقه

می شود به عمد توسعه اقتصادی و فرهنگی صورت پذیرفته و همه این محرومیت ها به خاطر آن چیزی است که مردم برای آن تلاش می کنند و آن هویت آنان است.

و اما تفاوت ها: زنان کورد با این که تاریخ بلندی در مبارزاتشان دارند ولی تا به امروز نتوانسته اند که از این مبارزات جنبشی فمنیستی به وجود آورند و تمام مبارزاتشان برای احقاق حقوق ملی بوده است، جدیداً زنان در حال تلاش برای مستقل شدن از احزاب کوردستانی هستند که پیشرفت بسیار کندی دارد، در واقع زنان کورد در جنبش ملی دمکراتیک بودند و نه فمنیستی.

تفاوت دیگر در کوردستان این بود که هرگز مذهب به معنای خاص وارد زندگی مردم نشد و این باعث شد که در کوردستان خواهران زینب شکل نگیرد و این به نفع زنان بود. با این که شرایط بد اقتصادی زنان را آسیب پذیر کرد طوری که بالاترین درصد خودکشی به زنان کورد تعلق دارد ولی از طرف دیگر پوشش اسلامی را به رسمیت نشناخت و خود را مجبور به رعایت آن نکرد.

در نهایت سرنوشت زن کورد متفاوت از سرنوشت زنان دیگر نیست و به تبع آن جدا از زنان خاورمیانه و جهان نیست.

مهمترین رسالت ما به عنوان زن پیدا کردن کانال های ارتباطی آسان و سریع است که بتوانیم تجربیات خود را به کشورهای انقلاب کرده تونس و مصر انتقال دهیم که مبدا اشتباهات سال 57 در ایران را تکرار کنند چرا که زنان پیشگامان انقلاب بودند برای زندگی بهتر ولی وجود مذهب سیاسی و نبودن سیستمی سکولار زنان را دهه ها به عقب راند.

البته انتقال این تجارب به عهده سازمان های مدافع حقوق زنان و ان جی او ها و شبکه های اجتماعی است که به این وسیله راه های ارتباطی را هموار کنند.